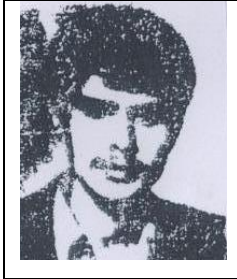


رفیق حبیب الله احمدی جندقی



حبیب در سال 1339 در شهرستان مشکین شهر (از شهرهای آذربایجان) متولد شد. او در جریان مبارزات توده ای علیه استبداد و ستم اجتماعی در سال های انقلاب از جوانان رزمنده و پرشور بود که علاوه بر فعالیت در سطح شهر، در سازمان دهی مبارزات دانش

آموزی نقش به ویژه برجسته داشت. رفیق حبیب که پس از قیام با انرژی بیشتری در تشکل های انقلابی دانش آموزان شرکت داشت، به موازات ارتقاء آگاهی سیاسی و مبارزاتی اش و با پی بردن به عمق اپورتونیسیم رو به رشد در درون سازمان فدائی - که بعدها به انشعاب بزرگ در آن منجر شد- پس از انتشار اولین شماره نشریه " راه کارگر" به سازمان ما پیوست و به تبلیغ و ترویج خط انقلابی آن همت گماشت. رفیق حبیب در انجام وظایف تشکیلاتی خود، هرگز خستگی نمی شناخت و با وجود مسئولیت سنگین نگهداری و تربیت چهار برادر و خواهرش، با روحیه و عزمی آهنین در راه پیش برد مبارزه ای بی وقفه و انقلابی لحظه ای از تلاش باز نمی ایستاد و در این راه مرگ را به هیچ می گرفت. او همواره می گفت: « تا زمانی که میلیون ها نفر از ما کشته نشوند، آزادی به دست نخواهد آمد و در راه هدفمان نیز جانمان ارزشی ندارد». رفیق حبیب طی فعالیت پر تلاشش با سازمان ما سه بار دستگیر شد، بار اول چند روز و بار دوم دو ماه در اسارت بود، بار سوم روز 30 خرداد در تبریز دستگیر گردید و تا سه ماه هیچ خبری از او نرسید، سرانجام یکی از روزهایی که مادرش از این زندان به آن زندان سراغ او را می گرفت، جلادان با خون سردی به وی گفتند: « جرم فرزندت زیاد بود و 25 مرداد دفنش کردیم».

بدین گونه رفیق حبیب کمونیست پرشور و جوان و یار خستگی ناپذیر " راه کارگر" در سن 21 سالگی، پس از 55 روز اسارت و تحمل شکنجه، برای آن که کلمه ای از اسرار مقاومت خلق را بازگو نکند، مرگ قهرمانانه را پذیرفت و در وفاداری کمونیستی به آزادی و سوسیالیسم به جاودانگی پیوست.